جامعه‌شناسی تاریخی
دورهٔ ۱۰، شمـارهٔ ۱، بهار و تابستان۱۳۹۷

تأثیر سیاست‌های کشورداری مغولان بر جایگاه اجتماعی و سیاسی اصناف در ایران

مقصود علی صادقی[۱] کامران حمانی[۲] هاشم آقاجری[۳]

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۶/۲۰)

چکیده

بازاریان در طول تاریخ ایران به دلیل کارکرد اقتصادی و اجتماعی مؤثرشان در جامعه مورد توجه حکومت‌های با ساختار ایلی مسلط بر جامعه ایران قرار داشتند. جایگاه بازاریان و به خصوص اصناف پیشه‌ور نزد حکومت‌ها با حمله مغول به ایران به مراتب بیشتر از گذشته بهبود یافت و استپ‌نشیان مغول از همان آغاز حملات خود به ایران تولیدات پیشه‌وران را ارج نهادند و در خلال کشتارهای خود مانع از مرگ بسیاری از افراد این طبقه مولد شدند. بر این اساس پرسشی که در این پژوهش نگارندگان درپی پاسخ به آن هستند این است که سیاست‌های کشورداری مغولان و ایلخانان چه تأثیری بر جایگاه اجتماعی و سیاسی اصناف در ایران نهاد؟ نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که به حاشیه راندن نهاد حسبه از سوی مغولان نامسلمان تا دوره غازان‌خان، حمایت مغولان از پیشه‌وران هنگام حمله به ایران و رهانیدن آن‌ها از کشتار که از نیازهای‌های اقتصادی و تسلیحاتی مغولان و ایلخانان نشأت می‌گرفت از جمله سیاست‌های مغولان و سپس ایلخانان در ارتباط با پیشه‌وران بود. این سیاست‌گذاری‌ها در بعد اجتماعی باعث تشکل‌یابی پیشه‌وران و نزدیکی آن‌ها به گروه‌های دیگر از جمله اهل فتوت شد و در بعد سیاسی منجر به حضور اصناف در رویدادهای سیاسی هم در دوران ایلخانان و هم دوره فترت شد. این پژوهش در صدد است تا با رویکرد توصیفی تحلیلی به بررسی و تحلیل داده‌های تاریخی درباب تأثیر سیاست‌گذاری‌های مغولان و ایلخانان بر جایگاه اجتماعی و سیاسی اصناف در ایران بپردازد.

کلید واژگان: اصناف، مغولان، ایلخانان، دوره فترت.

---

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تربیت مدرس m_sadeghi@modares.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری دانشگاه تربیت مدرس kamranhamani@yahoo.com
۳. استادیار گروه تاریخ دانشگاه تربیت مدرس h_aghajari@yahoo.com

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

۱. مقدمه

اصناف و پیشه‌وران در تاریخ ایران گروه‌های سازمان یافته‌ای بودند که ساختار آن‌ها مطابق نظم پیچیده‌ای از معیار و ملاک شامل گروه‌بندی‌های اجتماعی و حرفه‌ای بود و هر صنف دارای سلسله مراتب مشخص و معینی بود. هر پیشه و حرفه مجمع خاص و سازمان مربوط به خود را داشت. اصناف پیشه‌ور در بازار علاوه‌بر این‌که نیاز مردم به کالاهای ضروری و غیرضروری را تأمین می کردند، بخش اعظمی از نیازهای اقتصادی دولت‌ها را نیز پاسخ می‌گفتند، به همین دلیل نقشی مهم در اقتصاد و سیاست جامعه بازی می‌کردند. با این وجود گروه‌های صنفی تا پیش از حمله مغول به ایران به دلیل حضور مستمر و گسترده نهاد حسبه در بازار که نماینده تام‌الاختیار حکومت بود، کم‌توجهی حکومت‌ها به پیشه‌وران و ارتباط اندک اصناف با گروه‌های دیگر از جمله اهل فتوت نتوانستند در رویدادهای سیاسی نقشی پررنگ و تأثیرگذار ایفا کنند. با حمله مغول به ایران و سقوط خلافت عباسی، ضمن آن‌که ساختار ایلی مغولان، ساخته‌های پیشه‌وری ارج می نهاد، نهاد حسبه نیز تا پاسی از دوره ایلخانی کنار گذاشته شد. این تغییرات تحولاتی را در وضعیت پیشه‌وران به وجود آورد. به این معنی که پیشه‌وران با حمله مغول برخلاف دیگر گروه‌های اجتماعی از کشتار نجات یافتند و به مرور در دوره ایلخان و به خصوص غازان‌خان اصلاحاتی نیز به نفع آن‌ها انجام شد. نهاد حسبه نیز که در دوره غازان‌خان جانی دوباره گرفت قدرت دوره عباسی را نداشت تا بتواند به عنوان نماینده حکومت بازار را کنترل کند. اصناف در نتیجه این تغییرات به میزان معناداری در تحولات سیاسی نقش ایفا کردند. در این پژوهش سعی شده است با نگاهی مقایسه‌ای به دوره پیش از حمله مغول تأثیر سیاست‌های کشورداری مغولان و ایلخانان در تشکل‌یابی و ورود پیشه‌وران به عرصه رویدادهای سیاسی به بحث گذاشته شود.

در ارتباط با اصناف و تشکیلات صنفی پیشه‌وران در تاریخ ایران کتاب‌ها و مقالات ارزشمندی به چاپ رسیده است. محققانی چون لویی ماسینیون، ویلم فلور، کلود کاهن و کاظم روحانی آثاری در زمینه اصناف منتشر کرده‌اند. ابوالفضل رضوی در کتاب «شهر، سیاست و اقتصاد در عهد ایلخانی» ضمن بررسی اقتصاد شهری این دوره به مناسبات پیشه‌وران و بازرگانان این دوره با مغولان و ایلخانان پرداخته است که در این پژوهش برخی از داده‌های کتاب یاد شده

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

نیز مورد توجه بوده است. رضوی همچنین مقالات ارزشمندی از جمله «تشکیلات پیشه‌وری در عهد ایلخانان» و «جایگاه بازاریان در اقتصاد و جامعه عهد ایلخانان» را به چاپ رسانده است. حمید کرمی‌پور در رساله دکتری خود با عنوان «اصناف در دوره ایلخانان» به بررسی تشکیلات و ساختار اصناف پیشه‌ور در این دوره پرداخته است. وی همچنین مقاله «اصناف پیشه‌ور در دوره ایلخانان» را نیز منتشر کرده است. کتاب دیگری که شایسته توجه است کتاب «اصناف در عصر عباسی» اثر صباح ابراهیم الشیخلی است. نویسنده در این کتاب ضمن تشریح ساختار و تشکیلات اصناف به رابطه آن‌ها با دولت نیز اشاره کرده است. لاپیدوس در بخشی از اثر خود با عنوان «شهرهای اسلامی در خاورمیانه» ضمن بحث از منشا پیدایش اصناف اسلامی به ارتباط اصناف با دولت اشاره کرده است. استرن در بخشی از کتاب «شهرهای اسلامی» به بررسی منشا اصناف اسلامی می‌پردازد و نظریه ماسینیون درباره نقش قرامطه در به وجود آمدن اصناف را رد می‌کند. بسیم سلیم حکیم در کتاب شهرهای عربی- اسلامی ضمن بحث از ساختار شهرهای اسلامی به موقعیت پیشه‌وران نیز اشاره کرده است. مجتبی گراوند در رساله دکتری خود در دانشگاه تربیت مدرس با عنوان «کارکرد سیاسی- اجتماعی نهاد فتوت در سده‌های هفتم و هشتم هجری شرق جهان اسلام» ضمن بحث از فتوت در شرق جهان اسلام، ارتباط آن با پیشه‌وران و تشکیلات آن‌ها را بررسی کرده است. در ارتباط با موضوع پژوهش حاضر تاکنون اثر مستقلی اعم از کتاب، پایان‌نامه یا مقاله منتشر نشده است.

۲. تعریف صنف

صنف در واژه به معنای گونه و نوع است و در اصطلاح به دسته‌های مستقلی از پیشه‌وران گفته می‌شود که فعالیت مشابهی دارند. از روزگار عباسیان به این سوی، گذشته از صنف، ارباب مِهن و اصحاب حِرَف را نیز به همین معنی به کار برده‌اند. نویسندگان عصر صفوی نیز «اهل حرفت» و «ارباب صناعت» را معادل صنف آورده‌اند. در دوره عثمانی هم به صاحبان حرف اصناف می‌گفتند (کیوانی، ۱۳٦۷: ۲۷۱/۹). در دوره مغولان و ایلخانان نیز پیشه‌وران و صاحبان حِرَف به کسانی گفته می‌شد که به تولید و فروش کالا جهت پاسخ‌گویی به نیازهای تجارت درون شهری می‌پرداختند و در دکان‌ها و کارگاه‌های واقع در راسته‌های بازار فعالیت می‌کردند (رضوی،۱۳۹۰:

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

۳۷۳). در پژوهش حاضر اصناف (جمع صنف) به گروه‌های جداگانه پیشه‌وران با فعالیت مشابه اطلاق می‌شود که در بازارهای شهرهای ایران راسته‌های مخصوص به خود را داشته‌اند و هر صنفی برای خود دارای تشکیلات سلسله مراتبی بوده است.

۳. مناسبات اصناف و حکومت پیش از حمله مغول

از موانع مهم بررسی تاریخ اجتماعی– اقتصادی ایران به ویژه از زمان ورود اسلام به ایران، کمی اطلاعات و داده‌های مورد نیاز است. در مورد بخش اعظم دوره‌های تاریخ ایران پس از اسلام، تواریخ رسمی و درباری تنها منبع قابل توجه است که آن‌ها نیز در بیشتر موارد به جنگ‌ها و پیروزی‌ها یا شکست پادشاهان می‌پردازند و به مسائل اجتماعی و اقتصادی کمتر توجه می‌کنند. منابع در ارتباط با پیشه‌وران اشارات بیشتر منابع صرفاً به حضور آن‌ها در راسته‌های تخصصی در بازار شهرها خلاصه شده و درباره تشکیلات صنفی آن‌ها مطالبی ارائه نمی‌کنند. برای نمونه محمد بن مبارکشاه به تعداد صنف طباخان و علافان غزنه (مبارکشاه، ۱۳٤٦:۱۰۷)، مقدسی به بازار جداگانه «بزازان»، «قصابان» و «نانوایان» شهر «کول» از نواحی فارس (مقدسی، ۱۳٦۱: ٦٤٤/۲)، مولوی به راسته اختصاصی «عطاران» (مولوی،۱۳۹۰/٥٦۳) اکتفا می کنند و اشاره‌ای به تشکیلات اصناف نمی‌کنند.

در زمینه روابط اصناف با حکومت نیز اطلاعات اندکی در منابع می‌توان یافت، اما برخی از این اطلاعات نشان‌دهنده تسلط حکومت بر پیشه‌وران از طریق نهاد حسبه است. در این زمینه می‌توان به اشارات نظام الملک و ابن‌اخوه درباره وظایف محتسب اشاره کرد. براساس نوشته‌های نظام‌الملک محتسب وظیفه داشت: «ترازوها و نرخ‌ها راست می‌دارد و خرید و فروخت‌ها می‌داند تا اندر آن راستی رود... سنگ‌ها راست دارند و امر معروف و نهی منکر به جای آرند و پادشاه و گماشتگان باید که دست او قوی دارند» (نظام‌الملک، ۱۳٤۷:٦۰). اطلاعات ابن‌اخوه نیز که کتابش را اختصاصی به وظایف و ویژگی‌های محتسب و ارتباط آن با پیشه‌وران نگاشته است نیز نشان می‌دهد که اصناف پیشه‌ور در این زمان تا چه حد مقهور دولت بوده‌اند. ابن اخوه در اثر خود حسبت بر حدود هشتاد شغل را برمی‌شمارد و حتی وظایف شاغلان در اصناف مختلف را نیز گوشزد می‌کند. وی در بخشی از مطالب خود درباره احتساب بر نانوایان می‌نویسد: «بهتر

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

است که محتسب بر هر دکانی روزانه سهمیه معینی مقرر کند تا هنگام کمیابی نان امور شهر مختل نشود و باید که در پایان هر روز دکان‌های نانوایی را بازرسی کند و نگذارد کسی از کارگران روی کیسه‌های آرد یا در محل خمیر گرفتن بخوابد...» (ابن اخوه، ۱۳٦۰: ۷۸). علاوه‌بر این محتسب وظیفه داشت که «مثقال‌ها و سنگ‌ها و رطل‌ها و حبه‌ها» را بدون اجازه صاحبانشان بررسی و آزمایش کند (همان، ٦۹). مهر محتسب بر پیمانه‌ها و بازرسی روزانه مغازه‌های پیشه‌وران و همچنین مجازات متخلفان در عام از دیگر نشانه‌های حضور گسترده و مداخله‌جویانه دستگاه حکومت در امور اصناف پیشه‌ور بود (همان،۷۰-۷۱). در واقع می‌توان گفت ماهیت آمرانه قدرت سیاسی در این دوره که از طریق نهاد حسبه نمود می‌یافت امکان شکل‌گیری کارکردهای سیاسی را از اصناف سلب کرده بود.

از سوی دیگر نیز شاهد بهره‌کشی و فشارهای اقتصادی از سوی حکومت نسبت به پیشه‌وران در این دوره هستیم. منصور در ساخت و سازهای بغداد افراد صنف بنایان را به خدمت گرفت و مبالغ اندکی را روزانه به آن‌ها پرداخت می‌کرد (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۱۵/ ۲۱۹). محمود غزنوی در حمله به هندوستان از اعضای صنف درودگر، آهنگر و سنگ‌شکن بدون هیچ مزدی برای راه‌سازی استفاده کرد (گردیزی، ۱۳٦۳: ٤۰۱). راوندی نیز ظلم و ستم حکام دوره سلجوقی نسبت به پیشه‌روان را تصویر می‌کند و آن‌ها را با راهزنان یکی می‌داند و خونشان را مباح شمرده است (راوندی، ۱۳٦٤:۳۲). با این وجود فشارهای سیاسی، اقتصادی و بیگاری از اصناف کمتر منجر به واکنش، اعتراض و یا شورش از سوی آن‌ها شد و در دوره مورد بحث تنها نمونه‌هایی اندک از درگیری سیاسی و نظامی اصناف با دولت‌ها گزارش شده است که آن هم در مقایسه با دوره بعد از حمله مغولان و به خصوص دوره فترت بین ایلخانان و تیموریان کم اثر جلوه می‌کند.

درباره ارتباط اهل فتوت با اصناف در این دوره باید گفت که در اواخر دوره عباسی خلیفه الناصر متوجه شد که آیین فتوت زمانه‌اش خطری جدی برای حکومت و جامعه از دیدگاه دینی، سیاسی و امنیتی است. به همین جهت شروع به رسمیت بخشیدن و اصلاح این آیین کرد. او فتوت را زیر نفوذ مستقیم خود درآورد و در خلافت ٤۷ ساله خود باعث انشعاب این نهضت در چندین ایالت دیگر غیر از عراق شد. یکی از اهداف اصلی ناصر در تجدید سازمان فتوت و زیر نظر درآوردن آن، کنترل اصنافی بود که زیر نفوذ جنبش‌های مخالف قرار داشتند و بنابراین آن‌ها را تحت نظارت حکومت قرار داد و تا حد زیادی موفق گردید (عمر، ۱۳۸۳: ۱۹۹).

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

٤. سیاست‌های کشورداری مغولان در ارتباط با پیشه‌وران

با ظهور مغولان در صحنه سیاسی ایران تحولات عمده‌ای در موقعیت پیشه‌وران و صاحبان حرف چهره نمود. یکی از این تحولات به حاشیه رفتن و در نهایت فراموشی نهاد حسبه (نماینده اقتدار حکومت در بازار) از حمله مغول تا سال ٦٩٤ه.ق یعنی آغاز حکومت غازان‌خان است. این نهاد حکومتی که در واقع برگرفته از شرع اسلامی و قاعده امر به معروف و نهی از منکر بود به علت نامسلمانی مغولان تا دوره غازان نادیده گرفته شد و از این زمان به بعد با کوشش‌های رشیدالدین فضل الله همدانی بار دیگر برای اداره بازارها به کار گرفته شد. این نهاد با وجود حمایت‌های حکومت از آن و به ویژه پس از اجرای فرمان‌های غازان نتوانست اقتدار حکومت را در بازار به نسبت دوره پیش از حمله مغول اجرایی کند (کریمی و برزگر، ۱۳۹۲:۱۳۳).

تحول دیگری که در موقعیت پیشه‌وران در این دوره رخ نمود حمایت مغولان و بعد از آن ایلخانان از پیشه‌وران بود. این مطلب بدان معنا نیست که در دوره‌های پیشین توجهی به پیشه‌وران نشده است، بلکه با توجه به اطلاعات منابع، توجه مغولان و ایلخانان به پیشه‌وران بیش از حکومت‌های پیشین به خصوص عباسیان بوده که معلول دلایل متعددی است که یکی از این دلایل نیاز مبرم مغولان به ساخته‌های پیشه‌وران در زمینه‌های مختلف از جمله سلاح‌سازی بود. به همین دلیل مغولان در بحبوحه حملاتشان به ایران تعداد زیادی از آن‌ها را از کشتار رهانیدند. شهاب الدین نسوی اشاره می‌کند که در حمله مغول به خوارزم تنها قشری که از کشتار مغولان در امان ماندند «ارباب صنایع و اصحاب حرف» بودند (نسوی، ۱۳۸٤:۱۲۵). جوینی در ماجرای فتح سمرقند می‌نویسد: «روز دیگر... خلایق را که از زیر شمشیر جسته بودند شمار کردند و از آن جماعت سی هزار مرد را باسم پیشوری تعیین کردند و بر پسران و خویشان بخش کرد» (جوینی، ۱۳۸۵: ج۱/ ۹۵). با وجود قتل عام‌های خونین در شهرهای بخارا، سمرقند، مرو، هرات، خوارزم، بلخ، نیشابور و غیره جمعیت‌های بزرگی از پیشه‌وران این مناطق از کشتارهای مغول رهایی یافتند (همدانی، ۱۳۷۳: ج۱/ ٤۸۹ و ۳٦٤؛ جوینی، ۱۳۸۵: ج۱، ۱۰۱، ۱۰٦، ۱۱۹، ۱۰۸ و ۱۲۸؛ خواندمیر، ۱۳۸۰، ج۳، ۳۹؛ زمچی اسفزاری، ۱۳۳۸: ج۱/۱۷۹). سیاست توجه به پیشه‌وران و مصون داشتن آن‌ها از کشتار از رئوس کلی برنامه‌های ایلخانان نیز قرار گرفت. هلاکو در سایه این توجه به پیشه‌وران در بغداد «گفت از محترفه ناگزیر است ایشان را رخصت داد تا بر سر

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

کار خود رفتند» (زاکانی، ۱۳٤۳:۱۷۲). سیاست حمایت و توجه به پیشه‌وران در زمان جانشینان هلاکو با شدت بیشتری دنبال شد. غازان‌خان یکی از موارد مهم در برنامه اصلاحی خود را توجه و اهتمام بیشتر به کار «مساس» و «زرادخانه» و بالا بردن کیفیت زندگی صنعت‌گران مشغول به کار در آن نهاد مهم صنعتی قرار داد (همدانی، ۱۳۵۸ ق / ۱۹٤۰م: ۳۳٦). در زمان واپسین ایلخان مغول نیز شاهد توجه و حمایت وی از پیشه‌وران و صنعت‌گران بازار هستیم. ابن بطوطه در همین زمان از وجود تشکیلات منظم اصناف پیشه‌ور در شهرهای ایران سخن می‌گوید (ابن بطوطه، ۱۳۷٦: ج۱، ۲٤۷). به نظر می‌رسد پس از حمله مغول با کنارگذاشته شدن نهاد حسبه و نیاز مغولان به کالاهای پیشه‌وران و توجه به وضعیت آنان شاهد یک سیر و تغییر مثبت در بهبود وضع پیشه‌وران هستیم و شاید بتوان دوران ایلخانی را نقطه عطفی در تشکل‌یابی اصناف پیشه‌ور دانست. چرا که علاوه‌بر گزارش ابن بطوطه گزارش‌های دیگری از منابع دوره ایلخانی و پس از آن مؤید این مطلب است که پیشه‌وران از تشکیلات درونی منظمی برخوردار بودند که در بحث فعالیت‌های سیاسی اصناف به این موارد اشاره خواهد شد.

مغولان برخلاف دوره‌های پیش و به خصوص دوره عباسی در راستای فائق آمدن بر مشکلات قلمرو خویش و کسب وحدت و انسجام به تولیدات صنعتی پیشه‌وری نیاز مبرم داشتند و حداقل صنایعی همچون فلزکاری، پارچه‌بافی، نجاری و آهنگری را ارج فراوان می نهادند که بیشترین آمیختگی با نیازهای نظامی آن‌ها داشت (رضوی، ۱۳۹۰: ۳۸۵). تأمین راه‌های مناسب‌تر برای اخذ مالیات‌های منظم و درآمدهای اتفاقی از جمله دیگر اهداف مغولان در پشتیبانی از پیشه‌وران بود. مالیات مهمی که اصناف منظم و مشترک پرداخت می‌کردند «تمغا» (همدانی، ۱۳۵۸ ق / ۱۹٤۰م: ۲٤٦) نام داشت که از سوی حکومت دریافت می‌شد. با استناد به گزارش حمدالله مستوفی ضمان مالیات تمغای شیراز در اواسط قرن هشتم چهارصد و پنجاه هزار دینار در سال بوده است (مستوفی قزینی، ۱۳۳٦: ۱۳۹) و در زمان ابن بطوطه که شیراز را از بزرگ‌ترین منابع مالیاتی حکومت ایلخانان دانسته است، حاجی قوام الدین تمغاچی، مالیات شیراز را روزانه ده هزار دینار در مقاطعه داشته است. بنا به نوشته ابن بطوطه این مبلغ به حساب پول طلای مغرب معادل با دو هزارو پانصد دینار می‌شد (ابن بطوطه، ۱۳۷٦: ج۱، ۲۵٦). هر چند مطالب ارائه شده از سوی مستوفی و ابن بطوطه چندان با هم متناسب نیست، اما نشان می‌دهد که شیراز از نظر تأمین هزینه‌های حکومت منبع مالیاتی به نسبت خوبی بوده است. صرف‌نظر از مالیات بر

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

اصناف دو نوع دیگر استفاده اقتصادی دولت از پیشه‌وران به نام «حیف» و «طرح» نیز مرسوم بوده است. «حیف» خرید جبری زیر قیمت کالاهای پیشه‌وران و «طرح» فروش اجباری کالاهای اضافی دربار به قیمت گزاف به پیشه‌وران بود (سعدی، ۱۳۸٤: ٤۱).

نزدیکی اصناف به فتوت

موضوعی که در این میان اشاره به آن لازم است ارتباط اصناف پیشه‌ور با اهل فتوت از دوره بعد از حمله مغول است. پس از سقوط خلافت عباسی در سایه بی‌توجهی مغولان به سنن بازمانده از بنی‌عباس و از بین رفتن حامی این جریان، فتوت به یک‌باره خود را از سیاست کنار کشید و تحت تأثیر تحولات عصر مغول بار دیگر به صورت آیینی صنفی در آمد و ماهیت اعتقادی–اقتصادی به خود گرفت. به همین دلیل آیین فتوت در میان بازاریان رواج یافت و در قالب فعالیت‌های اقتصادی راه‌اندازی مجالس مهمانی برای کمک به محتاجان و روابط تنگاتنگ با متصوفه کارایی فراوانی از خود نشان داد. در این زمان بیشتر اعضای آیین فتوت را هنرمندان، صنعت‌گران و پیشه‌وران تشکیل می‌دادند و فتوت به عنوان آیین عیاری و جنگاوری جای خود را به آیین اخلاقی و اجتماعی داده بود (گراوند، ۱۳۹۱: ۳٦٤؛ کاشفی سبزواری، ۱۳۵۰: مقدمه، ۷۷ و ۸۸). در واقع نخستین جلوه‌های آشکار آیین فتوت در میان پیشه‌وران را باید در بعد از حمله مغول و مصائب ناشی از این هجوم جستجو کرد. در میان ویرانه‌های بعد از حمله مغول، پاره‌ای آیین‌ها و مشرب‌های اجتماعی و فرهنگی شکل گرفته و مجال بروز می‌یابند. هدف عمده این جریان‌ها اغلب در جهت حمایت از توده‌های رنج کشیده جامعه و با نیت ترمیم خرابی‌ها بود. نکته قابل توجه این‌که برخلاف ادوار پیشین، این آیین‌ها در دوره جدید از دستورالعمل‌هایی پیروی می‌کردند که برای همگان مفهوم و در دسترس بود. از مظاهر بارز این سادگی نوشته‌هایی است که تحت عنوان رسائل به ویژه آن‌چه مربوط به جوانمردان می‌شود که به نام رسائل فتیان یا فتوت‌نامه اصناف شناخته می‌شود[۱] این فتوت‌نامه‌های صنفی عبارت از دستورالعمل‌های عقیدتی و اجرایی بود که اهل هر حرفه برای خود داشته و با استناد به آن روابط بین خود و

۱. در زمینه فتوت نامه‌های صنفی آثار ارزشمندی تحت عنوان «رسائل جوانمردان»، «فتوت‌نامه بنایان»، «فتوت‌نامه سلطانی»، « سی فتوت‌نامه دیگر: سی رساله ناشناخته در فتوت و پیشه‌وری و قلندری» و «چهارده رساله درباب فتوت و اصناف» به اهتمام محققانی چون هانری کرین، علی‌اکبرخانمحمدی، محمدجعفر محجوب، مرتضی صراف و مهران افشاری منتشر شده است.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

همچنین روابطشان با جامعه را تنظیم می‌کردند (خانمحمدی، ۱۳۷۱:۱۰). فتوت‌نامه چیت‌سازان برای توضیح رابطه تنگاتنگ فتوت و اصناف جالب توجه است. بر طبق این فتوت‌نامه هر عمل در تولید و رنگرزی منسوجات از اهمیت نمادین برخوردار است. پیشوای صنف چیت‌سازان ششمین امام شیعی، امام جعفر صادق(ع) بود و جبرئیل نخستین مرتبه رنگ‌رزی پارچه را به انسان تعلیم داد. این رساله بر این امر تأکید دارد که داشتن استاد ضروری است و تنها از طریق تعالیم معنوی که توسط سلسله فتوت منتقل می‌شود می‌توان در کار صنعت‌گران روح دمید و به آن ارج نهاد (کربن، ۱۳۸۵: ۸۰–۸۹).

فتوت‌نامه‌ها علاوه‌بر ارائه برخی آگاهی‌ها درباره ابزارها، فنون و آداب و رسوم هر پیشه، نوعی رفتار و اعمال آیینی درباره هر پیشه را منعکس می‌کند که در واقع ناشی از تأثیرگذاری جریان‌های عرفانی «رازوارانه» در تشکیلات اصناف است (یوسفی‌فر،۱۳۸۲:٤٤۳). ساختار این فتوت‌نامه‌ها به صورت پرسش و پاسخ بود و افراد برای ورود به صنف ملزم به مطالعه و رعایت آن بودند. برای نمونه در فتوت‌نامه دلاکان به شاگردان و نوآموزان هشدار داده شده بود که در صورتی که این فتوت‌نامه را نخوانند و یا نزد خود نگه ندارند: «کسب بر وی حلال نباشد و خوردن از این کسب حرام است و روز قیامت حساب این کسب خواهند گرفت. هر که بر خواند خواهند گذاشت» (افشاری، ۱۳۸۲:۱۰۱).

علاوه‌بر فتوت‌نامه‌های صنفی (دستورالعمل‌های شغلی اصناف) که ارتباط نزدیک اهل فتوت و اصناف را به اثبات می‌رساند، موارد دیگری از وجود قرابت میان تصوف عامیانه (فتوت) با تشکیلات پیشه‌وری نیز قابل توجه است. وجود درجات مشترکی چون «شیخ یا رئیس»، «نقیب»، «استاد» و «خلیفه» و همچنین آداب تشرف و مراسمی که هنگام پیوستن افراد به گروه نزد فتیان و اصناف برپا می‌کردند، از جمله این موارد است (کربن، ۱۳۸۵: ۲۱٤–۲۱۵). قرائت فاتحه، خواندن دعا و سوگند خوردن از جمله دیگر مراسمات اهل فتوت بود که اصناف نیز در اعطای درجه استادی به اهل حرفه، از آنان پیروی می‌کردند (کاشفی سبزواری، ۱۳۵۰: ۱۳۱–۱۳۲). این اشتراکات بر ارتباط و تأثیرپذیری عمیق گروه‌های اصناف از آیین فتوت و برعکس در دوره یادشده دلالت می‌کند.

به رسم اهل فتوت هر یک از اصناف یکی از پیامبران را به عنوان پیر و پشتیبان خود انتخاب کرده بودند. برای مثال آدم پشتیبان نانوایان (افشاری و مدائنی، ۱۳۸۱:۱۵۱)، ابراهیم پشتیبان بنایان

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

(خانمحمدی، ۱۳۷۱:۱۰)، داوود پشتیبان آهنگران (کربن، ۱۳۸۵:۲۰۶)، آدم پیشوای قصابان (افشاری، ۱۳۶۹:۱۰۲۸)، شیث پشتیبان چیت‌سازان (صراف، ۱۳۵۲:۲۳۲)، ادریس پشتیبان سلاخان (افشاری، ۱۳۶۹:۱۰۲۹)، به حساب می‌آمدند. علاوه‌بر این ملا حسین واعظ کاشفی سبزواری در «فتوت‌نامه سلطانی» با اشاره به دسته‌های مختلف پیشه‌وری از جمله «بنایان»، «قصابان»، «آهنگران»، «نمد مالان»، «درودگران» و... ضمن آن‌که پیشه‌های آنان را با سلسله سندی به یکی از امامان و پیامبران نسبت داده است، راه و رسم و آداب و ترتیبی را که هر یک از این صنف‌ها برای بهتر سلوک کردن با مردم باید بدانند و عمل کنند، گوشزد آن‌ها کرده است (کاشفی سبزواری، ۱۳۵۰: ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳). از آن‌جا که واعظ کاشفی خود از فتیان بوده است می‌توان ارتباط نزدیک پیشه‌وران با اهل فتوت را در روزگار بعد از ایلخانان در اثر وی ردیابی کرد. طبیعی بود که چنین سلسله تشکیلات و مراتبی فعالیت و جایگاه بازاریان را تحت تأثیر قرار می‌داد و در الگوپذیری آن‌ها مؤثر واقع می‌شد. این ارتباط نزدیک در دوره ایلخانی و عصر فترت تحولات اجتماعی و سیاسی را به وجود آورد که پیش از دوره مغول نمونه‌های اندکی از آن دیده می‌شود. حضور گسترده اصناف پیشه‌ور و روسای آن‌ها در رویدادهای سیاسی دوره ایلخانان و عصر فترت از جمله این تحولات است که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.

فعالیت‌های سیاسی اصناف در دوره ایلخانان

در اواخر دوره ایلخانان حکومت سربداران به همت پیشه‌وران و کشاورزان پدید آمد. مورخان از تلاش‌های کلو اسفندیار، پهلوان حسن دامغانی، پهلوان حیدر قصاب و حسین اخی از سربداران سبزوار و ابوبکر نداف از سربداران سمرقند که از میان پیشه‌وران برخاسته بودند به نیکی یاد می‌کنند (حافظ ابرو، ج۱، ۱۳۸۰: ۱۹۷و ۳۴۶؛ شبانکاره‌ای، ۱۳۸۱: ج۲/ ۳۴۸). در واقع لقب برخی از رهبران سربدار از جمله «کلو»، «قصاب»، «پهلوان»، «اخی» و «نداف» نشان‌دهنده طبقه اجتماعی و شغل آن‌هاست، ضمن آن‌که وابستگی آن‌ها را به گروه‌های فتیان را نیز نشان می‌دهد. در جامعه ایران در این دوره نیز تنها پیشه‌وران بازار از این القاب استفاده می‌کردند؛ بنابراین حضور افردی از اصناف پیشه‌ور در رأس هرم قدرت سربداران آشکار می‌سازد که آن‌ها در همان آغاز قیام به جنبش پیوسته‌اند و قدرت و نفوذی که در جنبش داشته‌اند باعث شده که به مناصب بالای قدرت نیز دست یابند. در سبزوار کلو اسفندیار از رهبران سربداران پیش از مقام حکمرانی سرپرستی

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

یکی از اصناف پیشه‌وران را به عهده داشت که عنوان کلو مؤید این امر است. برگزیده شدن او از طرف خواجه شمس الدین علی روابط نزدیک شیخیان با پیشه‌وران را نشان می‌دهد (حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ج۱/ ۱۹۷).

مقاومت و درگیری بازاریان شیراز با نماینده ایلخان ابوسعید که قصد داشت خواهر سلطان ابواسحاق اینجو را به عراق ببرد نیز جالب توجه است. ابن بطوطه در این باره می‌گوید «موقعی که شیخ حسین می‌خواست «طاش خاتون»، زن ترک، و دو برادرش را به عراق برد... وی از شیرازیان استمداد کرد و گفت: ای مردم شیراز من زن فلانم و نامم فلان است. آیا شما می‌گذارید که مرا بدین‌سان از میان شما بیرون کنند؟ درودگری که پهلوان محمود نام داشت و من او را در بازار شیراز دیدم، برخاست و گفت نه، نمی‌گذاریم و ابداً راضی نخواهیم شد که او را از شیراز بیرون برند. مردم نیز آواز در آواز او دادند. شورش درگرفت، همه شیرازیان سلاح برداشتند و عده زیادی از سربازان را کشتند و مال‌های فراوان گرفتند و خاتون را با پسرانش نجات دادند» (ابن بطوطه، ۱۳۷٦: ج۱، ۲٥٦). مخالفت با نماینده ایلخان مغول و در نهایت به کرسی نشاندن خواسته خود با یک جهت‌گیری سیاسی قاطعانه در این دوره زمانی موضوعی قابل تأمل است. این مطلب نشان از قدرت‌گیری اصناف پیشه‌ور از طریق پرو بال دادن به آن‌ها از سوی حکومت‌های پیشین است. در ماجرای فوق فعالیت هوادارانه از خاندان اینجو از سوی صنف درودگران آغاز و به سرعت تمام بازار را فراگرفت و حمایت قاطع بازاریان را درپی داشت. به نظر می‌رسد اصناف این دوره از تشکیلات منظم و منسجمی برخوردار بوده‌اند، چرا که بدون تشکیلات و وجود سلسله مراتب صنفی انجام چنین اقدامی دور از انتظار به نظر می‌رسد.

فعالیت‌های سیاسی اصناف در دوره فترت

بعد از مرگ ابوسعید و بروز آشفتگی و هرج ومرج در قلمرو ایلخانان، اصناف پیشه‌وران به همراه روسای آن‌ها که «کلو» نامیده می‌شدند، مهم‌ترین گروه اقتصادی– اجتماعی منظم و منسجم بودند که از توانمندی بالایی برای حضور در سیاست برخوردار بودند. «کَلو»ها پیش‌کسوتی اصناف پیشه‌ور و سرپرستی و ریش سفیدی اهل محل زندگی خود را برعهده داشتند. در واقع واژه «کلو» (مخفف و شکل محاوره‌ای کلان) نیز به معنای بزرگ، مهتر، ریش سفید و پیشکسوت است (افشاری، ۱۳۸۱: ۳٤). از گزارش منابع چنین برمی‌آید که بدرفتاری و رنجاندن بزرگان شیراز و قتل «حاجی شمس‌الدین کلانتر و پیشوای محله باغ نو» توسط ابواسحاق اینجو سبب

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

تمایل رئیس عمر، کلانتر و پیشوای محله موردستان شیراز به مبارزالدین محمد مظفر گردید. کلو عمر و کلو رئیس ناصرالدین از اعیان کلویان شیراز با مجدالدین سربندی به یاری هم دروازه شهر را بر مبارزالدین محمد گشودند و شیخ ابواسحاق مجبور به فرار گردید. در طرف دیگر افرادی چون کلو تاج‌الدین و کلو فخرالدین— حاکم و کلانتر محله کازرون– (غنی، ۱۳۸۳:۱٤۷) جان خود را سر حمایت از شیخ ابواسحاق نهادند (کتبی، ۱۳٦٤:٦۳–٦٤؛ حافظ ابرو، ج۱، ۱۳۸۰:۲٦۱–۲٦۲). شیخ ابواسحاق پس از فرار از شیراز به سمت اصفهان رفت و «سید جلال‌الدین میرمیران» از کلویان معتبر اصفهان که عنوان کلانتر نیز داشت و از نفوذ و اقتدار فراوانی در میان اصناف برخوردار بود (حافظ ابرو، ج۱، ۱۳۸۰: ۲۷۵). به استقبال وی شتافت اما با هجوم امیر مبارزالدین محمد و محاصره شهر اصفهان توسط وی برای حفظ شهر از سقوط و نابودی، با هماهنگی بزرگان شهر، شیخ ابواسحاق را وادار به ترک اصفهان کرد. پس از آن با جمع‌آوری مبالغ هنگفتی از پول و هدایا از سوی اصناف پیشه‌ور و تقدیم آن به امیر مبارزالدین مظفر، شهر را از تیغ سپاهیان مظفری نجات داد (خواندمیر، ۱۳۸۰: ج۳، ۲۸۹–۲۹۰). ماجرای دخالت کلوها و ریش سفیدان اصناف پیشه‌ور به این وقایع ختم نمی‌شود. پس از بازگشت شیخ ابواسحاق بار دیگر اصناف طرفدار وی دروازه کازرون را برای ورود وی به شهر شیراز باز کردند و او توانست بر شهر مسلط شود. با تصرف شیراز توسط شاه شیخ ابواسحاق، اصناف پیشه‌ور حامی مبارزالدین مظفر در تنگنا قرار گرفتند. رئیس ناصرالدین عمر کلو، در گوشه‌ای پنهان شد و اهالی محله موردستان از ترس این‌که مورد تعرض سپاهیان شیخ ابواسحاق قرار گیرند با چادر زنانه فرار کرده و خود را به محله کازرون رسانده و در آن‌جا مخفی شدند. پس از روی آوردن شاه شجاع به شیراز، رئیس ناصرالدین عمر کلو، بار دیگر در این درگیری‌ها نقش آفرینی کرد و دروازه اصطخر را به روی سپاهیان شاه شجاع گشود. تسلط شاه شجاع بر شیراز پیشه‌وران دروازه کازرون را که حامی شاه شیخ ابواسحاق بودند به خطر انداخت، و اتفاقاً این محله ویران و بسیاری از پیشه‌وران آن به قتل رسیدند (غنی، ۱۳۸۳:۱٤۷). چنان‌چه ملاحظه می‌شود «کلویان» به عنوان ریش سفیدان محلات و پیشکسوتان اصناف نقش مؤثری در هدایت تشکیلات پیشه‌وران ایفا می‌کردند و در جریانات سیاسی و اجتماعی نیز دخالت فعال داشتند. به ویژه هنگام آشوب و ناآرامی‌های سیاسی نقش دوگانه آن‌ها در پیوند میان محلات و بازار تشدید می‌شد و جهت‌گیری آن‌ها در برتری یا ضعف موقع رقبای سیاسی سهم زیادی ایفا می‌کرد. شیخ ابواسحاق

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

اینجو را برخی از روسای اصناف از شیراز فراری دادند و در اصفهان توسط جلال الدین میرمیران که از روسای متنفذ اصناف این شهر بود پذیرفته شد. این موضوع به خوبی نشان‌دهنده قدرت سیاسی چشم‌گیر «کَلویان» یا رؤسای اصناف در این برهه زمانی است که کفه ترازوی قدرت را به نفع مبارزالدین محمد مظفر سنگین کرده است. این قدرت و نفوذ که در سایه تشکیلاتی منظم به وجود آمده به نظر می‌رسد در نتیجه تحولات ساختاری جامعه که به دنبال حاکمیت مغولان ایجاد شده بود، نصیب رؤسای اصناف پیشه‌ور شده است.

شرکت اصناف پیشه‌ور در درگیری‌های سیاسی و نظامی این دوره محدود به واقعه یادشده نیست. کلویان شیراز در حمله ملک اشرف چوپانی به شیراز به حمایت از خاندان اینجو پرداختند (خواندمیر، ۱۳۸۰، ج۳/ ۲۸۰). آن‌ها همچنین به رهبری افرادی چون «خواجه فخر الدّین سلیمانی»، «خواجه جمال الدّین خاصّه»، «خواجه حاجی قوام» و «کلو فخر الدّین» در واقعه درگیری نظامی خاندان اینجو و یاغی باستی طرف شیخ ابواسحاق را گرفتند و در نهایت با حمایت آن‌ها از شیخ ابواسحاق، یاغی باستی از شیراز رانده شد (حافظ ابرو، ج۱، ۱۳۸۰: ۱۳۲–۱۳۳) و به سوی ابرقو رفت و آن شهر را در محاصره گرفت. به گفته صاحب شیرازنامه در این شهر نیز «گروهی پیشه‌کاران و محترفه که آیین رزم‌سازی و طرز نیزه‌بازی ندیده بودند... نادانسته به مقاومت با آن لشکر گران برخاستند» (زرکوب شیرازی، ۱۳۵۰: ۸۹–۹۰).

واقعه قابل توجه دیگری که اشاره به آن لازم است حضور روسای اصناف در دو جناح سیاسی درگیر در دوره آل مظفر است. پهلوان اسد خراسانی که از فرماندهان شاه شجاع و حاکم کرمان بود در منازعه قدرت میان شاه شجاع و شاه یحیی به هوای دستیابی به قدرت بیشتر به شاه یحیی متمایل شد. نکته جالب این قضیه ورود دو شخص دیگر از سران اصناف پیشه‌ور به دعوای سیاسی و حمایت آن‌ها از شاه شجاع در مقابل پهلوان اسد است. پهلوان علیشاه و پهلوان خرم خراسانی پس از محاصره کرمان و تسلیم پهلوان اسد خراسانی وی را به قتل رسانده و سرش را نزد شاه شجاع فرستادند (خواندمیر، ۱۳۸۰، ج۳، ۳۰۶–۳۰۸؛ کتبی، ۱۳٦٤: ۹۹–۱۰۳)؛ بنابراین نظر پطروشفسکی در کتاب «سربداران خراسان» صحیح به نظر نمی‌رسد که این واقعه را قیام طبقات پایین جامعه علیه فئودال‌ها می‌داند (پطروشفسکی، ۱۳۵۱:۱۰۸)، چرا که در این رویداد شاهد حضور هم‌صنفی‌های پهلوان اسد خراسانی زیر بیرق شاه شجاع هستیم که با توجه

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

به خراسانی بودن پهلوانان متحد با شاه شجاع این نظر نیز تقویت می‌شود که دعوایی درون صنفی با پوششی سیاسی بوده است.

در شوشتر تنها با موافقت کلویان این شهر، پیر علی بادک حاکم منتسب از سوی شاه شجاع توانست بر شوشتر مسلط شود (سمرقندی، ۱۳۸۳: ج۲/ ٤۹۲). سال ۷٤٤ ه.ق در تبریز پیشه‌وران و اهالی شهر برای جلوگیری از ورود ملک اشرف چوپانی به این شهر مسلح و مانع از ورود او و لشکرش به تبریز شدند (همان، ج۲۲۰/۱). پیشه‌وران و اهالی تبریز در زمان جلایریان و به علت ستم‌های مالیاتی سلطان حسین جلایری، شاه شجاع را در تصرف تبریز حمایت کردند و پس از ورودش به شهر از او استقبال شایانی به عمل آوردند (حافظ ابرو، ۱۳۵۰: ۲۰۱-۲۰۳). شرکت روسای اصناف پیشه‌ور در منازعات قدرت در این سطح گسترده را می‌توان معلول عوامل مختلف دانست. انعطاف طبیعی موجود در سلوک سیاسی اجتماعی مغولان که نسبت به فعالیت‌هایی که ضرری برای حکومت نداشت، بی‌تفاوت بود، در تحرک عمل سیاسی اصناف در دوره مورد بحث نقش بسزایی داشت، البته همان طور که در مباحث پیشین نیز اشاره شد، ملاحظات اقتصادی مغولان که آن‌ها را به توجه بیشتر به اقتصاد شهری وامی‌داشت، در این زمینه مؤثر بود.

نتیجه‌گیری

در دوران ایلخانان و به خصوص در عصر فترت بین سقوط ایلخانان تا ظهور تیمور که ایران دچار درگیری قدرت‌های محلی با یکدیگر بود، شاهد خیزش‌های سیاسی اصناف پیشه‌ور در برخی مناطق کشور به خصوص در شیراز هستیم. قدرت و نفوذ سیاسی اصناف در این برهه زمانی تا اندازه‌ای است که در مقابل نماینده ایلخان ایستادگی می‌کنند، دروازه‌های شیراز دوره آل اینجو را روی مبارزالدین مظفر باز می‌کنند، در اصفهان به ابواسحاق اینجو پناه می‌هند، در نزاع سیاسی خاندان مظفری مستقیم دخالت می‌کنند و موارد دیگری که در متن این پژوهش به آن اشاره شده است. مدعای اصلی این پژوهش آن بود که این فعالیت‌های تأثیرگذار سیاسی بدون برخورداری از تشکیلات منظم امکان‌پذیر نبوده است. از دیدگاه نگارندگان عوامل مختلفی در پویایی فعالیت‌های سیاسی اصناف و عملکرد تشکیلاتیشان نقش داشت. در واقع حمله مغولان به ایران و توجه ویژه ایشان به پیشه‌وران و همچنین به حاشیه رانده شدن نهاد حسبه از سوی

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

مغولان تا دوره غازان‌خان فضای جدیدی را پیش‌روی آن‌ها قرار داد و از این رهگذر توانستند تشکیلات خود را سازماندهی کنند. تأثیر دیگری که در نتیجه سیاست‌گذاری‌های مغولان و ایلخانان بر وضعیت پیشه‌وران حاصل شد، پیوستگی و نزدیکی اصناف با اهل فتوت بود (در دوره عباسیان به خصوص خلیفه الناصر این ارتباط اندک بود و به وسیله حکومت کنترل می‌شد). به نظر می‌رسد محدودیت‌های اجتماعی و سیاسی که اصناف در شهرها با آن مواجه بوده و امکان فائق آمدن بر آن موانع و محدودیت‌ها نیز امکان‌پذیر نبود باعث می‌گردید که گروه‌های فعال اصناف در محافل و گروه‌بندی‌های اجتماعی و فکری نیمه مخفی از جمله اهل فتوت راه یابند و از این طریق درپی تحقق برخی از مطالبات سیاسی خود برآیند. در این دوره با توجه به وجود فتوت‌نامه‌های صنفی و همچنین شباهت در تشکیلات این دو نیروی اجتماعی می‌توان چنین نتیجه گرفت که اهل فتوت در تشکل و ساختار درونی اصناف تأثیر گذاشته و این تشکل‌یابی در ورود اصناف به منازعات سیاسی این دوره نمود پیدا کند. الگوبرداری از تشکیلات اهل فتوت ضمن آن‌که به انسجام صنفی آن‌ها مدد رساند، وسیله‌ای برای تحقق مطالبات سیاسی و صنفی آن‌ها نیز بود.

منابع

- ابن‌اثیر جزری (۱۳۷۱). تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران، ترجمه عباس خلیلی، ابوالقاسم حالت و دیگران، تهران، مؤسسه مطبوعات علمی.
- ابن‌اخوه، محمد بن احمد قرشی (۱۳٦۰). معالم القربه فی احکام الحسبه (آیین شهرداری در قرن هفتم)، ترجمه جعفر شعار، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ابن بطوطه (۱۳۷٦). سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمدعلی موحد، تهران، چاپ سپهر نقش.
- ابن‌عربشاه (۲۵۳٦). زندگی شگفت‌آور تیمور (عجایب المقدور فی نوائب تیمور)، ترجمه محمدعلی نجاتی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ابن‌عربشاه، ابو عباس شهاب‌الدین احمد بن محمد دمشقی (۲۰۰۸ م). عجائب المقدور فی نوائب تیمور، به تصحیح سهیل زکار، دمشق، نشر التکوین.
- افشاری، مهران (۱۳۸۲). فتوت‌نامه‌ها و رسائل خاکساریه (سی رساله)، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

- افشاری، مهران و مداینی مهدی (۱۳۸۱). چهارده رساله درباب فتوت و اصناف، تهران، نشر چشمه.
- افشاری، مهران، (۱۳۶۹)، جوانمردی پیشه‌وران، مجله چیستا، ش ٦٨، صص ١٠٢٧-١٠٣٤.
- پطروشفسکی، ای. پ (۱۳۵۱). نهضت سربداران خراسان، ترجمه کریم کشاورز، تهران، انتشارات پیام.
- جوینی، علاء الدین عطا ملک بن بهاء الدین محمد بن محمد (۱۳۸۵). تاریخ جهانگشای جوینی، به تصحیح محمد قزوینی، تهران، دنیای کتاب.
- حافظ ابرو، عبدالله ابن لطف الله (۱۳۸۰). زبدهٔ التواریخ، حافظ ابرو، به تصحیح سید کمال حاج سید جوادی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- .ـــــــ (۱۳۵۰). ذیل جامع‌التواریخ رشیدی، به اهتمام خانبابا بیانی، تهران، انجمن آثار ملی.
- خانمحمدی، علی‌اکبر (۱۳۷۱). فتوت‌نامه بنایان، مجله علمی پژوهشی صفه، دوره ۲، ش ۱، صص ۱۰-۱۵.
- خواجه نظام الملک، ابوعلی حسن طوسی (١٣٤٧). سیرالملوک (سیاست‌نامه)، به اهتمام هیوبرت دارک، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین (۱۳۸۰). تاریخ حبیب السیر، تهران، خیام.
- ـــــــ (١٣٦٧). دایره المعارف بزرگ اسلامی مدخل اصناف، مهدی کیوانی، ج ۹، تهران، دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- راوندی، محمد بن علی بن سلیمان (١٣٦٤). راحهٔ الصدور و آیهٔ السرور در تاریخ آل سلجوق، به تصحیح محمد اقبال و مجتبی مینوی، تهران، امیر کبیر.
- ـــــــ (۱۳۵۲). رسایل جوانمردان مشتمل بر هفت فتوت‌نامه، به تصحیح مرتضی صراف، با مقدمه هانری کربن، تهران، انستیتوی فرانسوی پژوهش‌های علمی در ایران.
- رضوی، ابوالفضل، (۱۳۹۰). شهر، سیاست و اقتصاد در عهد ایلخانان، تهران، امیرکبیر.
- زاکانی، عبید (١٣٤٣). کلیات و لطائف، به تصحیح عباس اقبال، شرح و ترجمه پرویز اتابکی، تهران، انتشارات کتابفروشی زوار.
- زرکوب شیرازی، ابوالعباس احمد ابن ابی الخیر (۱۳۵۰). شیرازنامه، به تصحیح و اهتمام بهمن کریمی، تهران، مطبعه روشنایی.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

- زمچی اسفزاری، معین الدین محمد (۱۳۳۸). روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات، سید محمد کاظم امام، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- سعدی شیرازی، مصلح الدین (۱۳۸٤). کلیات سعدی، به تصحیح محمد علی فروغی، تهران، امیرکبیر.
- سمرقندی،کمال الدین عبد الرزاق (۱۳۸۳). مطلع سعدین و مجمع بحرین، به تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- شبانکاره‌ای، محمد بن علی بن محمد (۱۳۸۱). مجمع الانساب، به تصحیح میرهاشم محدث، تهران، امیر کبیر.
- _____ (۱۳۸۳). شهرنشینی در اسلام، گزارش همایش بین‌المللی شهرنشینی در اسلام، مرکز مطالعات فرهنگی خاورمیانه‌ای توکیو- ژاپن، مقاله اصناف در شهرهای اسلامی روزگار عباسیان، فاروق عمر، ترجمه مهدی افشاری، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- غنی، قاسم (۱۳۸۳). تاریخ عصر حافظ (بحث در آثار و افکار حافظ)، تهران، زوار.
- کاشفی سبزواری، مولانا حسین واعظ (۱۳۵۰). فتوت‌نامه سلطانی، به اهتمام محمد جعفر محجوب، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- کربن، هانری (۱۳۸۵). آیین جوانمردی، ترجمه احسان نراقی، تهران، سخن.
- کریمی، علیرضا و سجاد برزگر (۱۳۹۲). نهاد حسبه در دوره ایلخانی، فصلنامه پژوهش‌نامه تاریخ اسلام، سال سوم، ش ۱۰، صص ۱۳۱-۱٦۹.
- کتبی، محمود (۱۳٦٤). تاریخ آل مظفر، به تصحیح عبد الحسین نوایی، تهران، امیر کبیر.
- گراوند، مجتبی (۱۳۹۱). کارکرد سیاسی- اجتماعی نهاد فتوت در سده‌های هفتم و هشتم هجری شرق جهان اسلام، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، استاد راهنما دکتر صادق آئینه وند، استاد مشاور اول دکتر سید هاشم آقاجری، استاد مشاور دوم دکتر سید محمد حسین منظورالاجداد.
- گردیزی، ابوسعید عبدالحی بن ضحاک بن محمود (۱۳٦۱). تاریخ گردیزی، به تصحیح و مقابله عبدالحی حبیبی، تهران، انتشارات دنیای کتاب.
- مبارکشاه، محمد بن منصور بن سعید (۱۳٤٦). آداب الحرب و الشجاعه، به تصحیح و اهتمام احمد سهیلی خوانساری، تهران، اقبال.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

- محمود سیستانی، ملک شاه حسین بن ملک غیاث الدین محمد بن شاه (۱۳۸۳). احیاء الملوک، تاریخ سیستان تا عصر صفوی، به تصحیح منوچهر ستوده، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- مستوفی قزوینی، حمدالله (۱۳۳٦). نزهه القلوب، به تصحیح محمد دبیر سیاقی، بی‌جا، بی‌نا.
- مقدسی، محمد بن احمد (۱۳٦۱). أحسن التقاسیم، ترجمه علی نقی منزوی، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان.
- مولوی، جلال الدین محمد بن محمد (۱۳۹۰). مثنوی معنوی، به تصحیح رینولد ا. نیکلسون، تهران، انتشارات هرمس.
- نسوی، شهاب الدین محمد (۱۳۸٤). سیرت جلال الدین منکبرنی، به تصحیح مجتبی مینوی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- همدانی، رشیدالدین فضل الله (۱۳۷۳). جامع التواریخ، تهران، نشر البرز.
- همدانی، رشیدالدین فضل الله (۱۳۵۸ ق/ ۱۹٤۰ م). تاریخ مبارک غازانی، به تصحیح کارل یان، هرتفرد، استفن اوستین.
- یزدی، شرف‌الدین علی (۱۳۸۷). ظفرنامه، به تصحیح سید سعید میرمحمدصادق و عبدالحسین نوایی، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- یوسفی‌فر، شهرام (۱۳۸۲). ساختار اقتصاد شهری در ایران دوره سلجوقیان، رساله دکتری، دانشگاه شهید بهشتی، استاد راهنما دکتر اللهیار خلعتبری، اساتید مشاور دکتر شیرین بیانی و دکتر علی اصغر مصدق.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]